

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

الیاس پیام "رستاقی"

۰۵ سپتمبر ۲۰۱۲

این وارثان تخت ستم شاهی، کشتند تخم نفرت از عشق دم زند

مسعود خاین ملی است، نه قهرمان ملی!

آگاهی از کارنامه های سپاه احمد شاه مسعود نه سفر تا کوه قاف می خواهد و نه بررسی و کنکاش کتاب ها و نشریه ها می طلبد، بلکه چشم واقع بین و احساس انسانی نیاز است تا وقایع اتفاق افتاده در دوران وی را با جرأت و بدون ترس ابراز نماید! آنچه تحت عنوان مسعود خاین ملی است نه قهرمان ملی می خوانید کوشش سطحی است که اطراف این مسأله می چرخد.

احمد شاه مسعود در جمع آنده از افراد سیاسی افغانستان به حساب می آید که با حضور خویش در عرصه سیاسی افغانستان، به نوبه خود دست به خیانت های جبران ناپذیر ملی زده است که هرگاه حکومت مردمی سرکار آید استخوان هایش را باید به عنوان خاین ملی محاکمه نموده، حکم تاریخ را در قسمت خاینان ملی در موردش به اجراء گذارند. تا از یک طرف دید مردم درباره مفهوم قهرمان ملی که تا فی الحال به اثربلیغات شوم خوانی های جمعیتی و شورای نظاری ملوث شده است پاک گردد و ثانیاً حیثیت صفت قهرمان ملی که با گذاشتن آن بالای مسعود خدشه دار شده است، اعاده گردد.

ما افغانها خون بارترین و موخس ترین دوران تاریخی را در زمان حاکمیت مسعود سپری کردیم. رنج ها، ستم ها، بیدادگری ها، کشتارها و قتل های عام را تجربه کردیم که از نوع آن در تاریخ کمتر سردمدار افغانستان طی سی سال اخیر اتفاق افتاده است. دوران حاکمیت مسعود به حدی فاجعه بار و غم انگیز بوده است که هنوز که هنوز است بارجنایات باقی مانده از او برشانه های مردم ما سنگینی می کند. هرگاه تاریخ و گذشته زمامداری مسعود را مسؤولانه ورق بزنیم، از لابه لای اوراق آن خون دگراندیشان، معلمان، بیگناهان، کودکان، زنان به صورت مان فوران می زند، دود و خاکستر فضای اطراف مان را انباشته می نماید و صدای فریاد وضجه های دخترانی که به خاطر حفظ ناموس شان از شر شورای نظاری های احمد شاه مسعود خود را از منزل سوم مکرویان به زیرمی اندازند و کودکان، مردانی که زیربمب ها و مرمی های افراد او نابود می شدند موی را بریدن انسان ایستاده می کند.

واقعاً هرگاه نگاه کوتاهی برپاره ای از رویداد ها و وقایع سیاسی و اجتماعی دوران مسعود و ربانی بیفکنیم به روشنی درمی یابیم که آنچه در دوران اینان بر سرنوشت مردم افغانستان گذشته است غیر از این که اسمش را خیانت

ملی نگذاریم نام دیگری بر آن نهاده نمی توانیم. باز هم یادآور می شوم که اگر به تاریخ حکومت مجاهدین در افغانستان که مسعود یکی از گردانندگان مهم آن به شمار می رفت نظر اندازیم، درمی یابیم که تاریخ این دوره به طور مجموعی تاریخی به مسند نشستن جهالت و عقب ماندگی است، تاریخ فروپاشی تمامیت ارضی، استقلال، آزادی های مدنی است، تاریخ حاکمیت استبداد عریان سیاسی مذهبی، اختناق فرهنگی، پسرفت های اجتماعی است. تاریخ این دوره، تاریخ فاقد تکامل و پویایی، فاقد نوآوری و نواندیشی است، تاریخ به حاشیه رفتن خرد و به میدان آمدن جهل است. تاریخ نابودی حکومت های مرکزی و قد برافراشتن حکومت های محلی است، تاریخ حادث شدن و رویا رویایی جنگ های زبانی، سمتی، مذهبی است، تاریخ مستی اربابان، زمین داران، مزدوارن بیگانه به روی خرمی از پولهای ناشی از غصب دارائی های مردم بیچاره و بخت بر گشته به دست مشتی بی وجدان، بی ناموس، بی شرف، خواهر و مادر نشناس، دزد، رهن، اوباش، قاتل و... زیر نام مجاهد است. تاریخ آواره شدن، بی آبرو شدن، میلیون ها افغان به کشورهای همسایه چون ایران و پاکستان.. است. تاریخ به قدرت رسیدن نیروهای زنگ زده جهالت پیشه است. تاریخ تجرید شدن و به انزوا رفتن افغانستان از کاروان تمدن است. در یک کلام تاریخ سیه روزی، بربادی، تباهی توده های افغان به دست سیاست های مؤسسات و سازمان فیودالی در همدستی کشورهای امپریالیستی است.

مسعود به عنوان یکی از فرماندهان برجسته این جریان خاین و پلید نقش کلیدی را در این راستا ایفاء نموده است. بناءً به عوض تحسین و تقدیر، باید به مثابه جنایت کارترین چهره سیاسی سالهای خون و خیانت جهادی ها افشاء و نفرین شود. حتی برای این که لباس قهرمان ملی به تن چنین وحشی های انسان ستیز اصلاً خوانائی ندارد و نمی زبید. قهرمان کسی است که نیاز جامعه اش را ندا می زند. نیاز جامعه افغانستان که از لحاظ سیاسی ستم دیده است و از لحاظ اقتصادی عقب مانده و همچنان از جهت فرهنگی به لحاظ سلطه فرهنگ کهنه و جهل قرون وسطائی است، مسلماً کار سیاسی که به آزاد کردن این سیاست و شگوفا کردن این اقتصاد و همچنان به پیشرفت و پویایی این فرهنگ بینجامد می تواند تنها سیاست درست به حساب آید. چیزی که سرتاسر کارنامه های سیاسی و نظامی احمد شاه مسعود خلاف آن را گواهی می دهد.

افغانستان بعد از کوتای بدفرجام و منحوس ثور، متأسفانه سیر قهقرائی را در ابعاد گوناگون، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی طی می کند. عوامل نامرئی و ماوراء الطبیعه، در آوردن این همه بدبختی ها، بربادی ها، سیه روزی ها، تباهی ها، زیدخل نبودند که ما کرخت و آرام از کنار آن جنایت ها و خیانت هائی که در حق این خاک و مردم به وقوع پیوسته می گذشتیم. بلکه تمام وقایع این سالها نتیجه واضح و روشن عملکرد سیاسی احزاب و سازمان های وطن فروش و بنیاد گرا بود که طی این مدت قدرت سیاسی را به کف گرفتند و بعداً تخم های نابودی و بربادی را در هروجب خاک این سرزمین یکی پس از دیگری کاشتند، از جمله جریانات سیاسی مختلف که در کارزار جنایت و خیانت در افغانستان دست بالا را داشت و از پیش کسوتان این سیه روزی بود، یکی هم شورای نظار و جمعیت اسلامی افغانستان است که احمد شاه مسعود کلیدی ترین مهره آن بشمار می رفت.

امروز هر که با اتکاء به وجدان و شرافت و بدون غرض اگر قضایای این دوره را به بررسی بگیرد، مهربانای اینان را در ورق ورق صفحات خونین این سرزمین شوم بخت مشاهده کرده می تواند. از این لحاظ به جرأت گفته می توانیم که رجال سیاسی که طی این سالها پا به چوکی قدرت گذاشته اند بدون استثنا شامل لیست خاینان ملی به حساب می آیند، که حذف احمد شاه مسعود از آن به اندازه یک جو هم عاقلانه به نظر نمی رسد. گذاشتن صفت قهرمان ملی به احمد شاه مسعود در حد گذاشتن این صفت به ملاعمر بیهوده و احمقانه است. زیرا میان نتیجه زمام داری ملاعمر

و احمد شاه مسعود بر بخش های از افغانستان کدام تفاوت محسوس نیست. تفاوت هائی هم اگر بین این دو موجود باشد بیشتر شکلی است تا ماهوی.

آغاز جنگ های چریکی احمد شاه مسعود توهم است با آغاز بحرانهای عمیق، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، در افغانستان که نتیجه جنگ های احمد شاه مسعود نه تنها چیزی از این بحران نکاست بلکه هر چه بیشتر بر شدت آن افزود و از این لحاظ افغانستان را در قعر فلاکت پرتاب کرد. به نظر من احمد شاه مسعود و ملا عمر هر دو مجری اهداف بیگانه ها بوده اند تا مدافع سیاست های ملی گرایانه، ایشان با جنگ های شان در افغانستان تمام کارهائی را که یک خاین ملی یک اجنت پاکستان، ایران، امریکا انجام بدهد انجام داده اند، منتها کاری که یک قهرمان ملی انجام دهد تا هنوز از هیچ جریان سیاسی به قدرت رسیده در افغانستان بعد از امان الله خان در هیچ زمینه محسوس نبوده و اجراء نشده و عصر حاکمیت احمد شاه مسعود هم از آوردن این شوم بختی ها جدا نبوده و بدین ملحوظ خود احمد شاه مسعود هم از این مجموع خاین مستثناء شده نمی تواند.

اگر ننگ تخریب مجسمه های تاریخی بامیان بیانگر وحشی گری و جهالت پیشگی طالبان باشد و به یقین که هست، چرا تاراج موزیم کابل، تاراج تپه تاریخی آی خانم، تاراج و نابودی تمام زیر ساخت های "اداری، تعلیمی، تربیتی، تولیدی، ترانسپورتی" فابریکه ها، پوهنتون ها، مکاتب، سرک ها، تپه های تاریخی، تفریحگاهها، آوارگی پنج میلیون افغان به ایران و پاکستان، کشته شدن ۶۵۰۰۰ هزار کابلی، توسط مسعود و ربانی وحشی گری به حساب نیاید و خیانت ملی نباشد؟

مجسمه بامیان یک تکه ای از مجموع تکه های آثار تاریخی نابود شده افغانستان به حساب می آمد، در حالی که به هزاران تکه آثار تاریخی از موزیم کابل، از تپه تاریخی آی خانم و سایر اماکن باستانی به دست های کثیف افراد مسعود و ربانی به تاراج رفت. گذاشتن صفت قهرمان ملی بر احمد شاه مسعود، گذشته از این که خیانت و توهین به مردم افغانستان است، خیانت و توهین به قهرمانان واقعی سایر کشورها چون اتاترک، استالین، داکترسون یاتسن، مصدق، جنرال دوگل، تیتو... نیز است.

اگر چه برایم زیاد روشن نیست و نمی دانم که یک خاین ملی در یک کشور چه اندازه کارهای خاینانه ای را در کدام عرصه انجام دهد که باز بتوانند اسم خاین ملی را برای خود کمایی نمایند. اما کسی که افراش را مثل افراد مسعود مجموعه دزد، رهن، قاچاقبر، زانی، قاتل مردم بیگناه، مزدور بیگانه، جاسوس، مردم آزار، عوام فریب، غاصب مال و دارائی مردم باشد. کسی که مدافعان راهش تگیه گاه تمامی لومپنان، دزدان، اختطاف گران، چاقو کشان، قاچاقچیان (اسلحه، مواد مخدر، آثار تاریخی، منرال های معدنی) مثل فهیم، عبدالله، صالح، بسم الله، امان الله گذر دزد، حاجی الماس و... باشد، چنان فردی قهرمان ملی هر که باشد قهرمان ملی مردم افغانستان نیست.

به فرض برای چند لحظه اگر نقاب بیشرقی و جنایت را بر رخ خود بکشیم و مسعود را قهرمان ملی صدا کنیم، می دانید که مرتکب چه جنایت های مضاعف می گردیم؟ وقتی شما مسعود را قهرمان ملی بنامید، الزاماً هریک از قومندانانش را که دست های کثیف شان چه در گذشته و چه حال به خون، مال، ناموس، عزت، شرف، میلیونها انسان بی گناه این سرزمین آغشته است و به بهای این جنایات شان صاحب موترها، بلدینگها، شرکت ها، زمین ها، حویلی ها، مقامها، وزارت خانه ها و ریاست ها شده اند و از این که مسعود را قهرمان ملی نامیده ایم و او هم مجاهد مسعود است باید که او را هم قهرمان بنامیم. به کدام دلیل او را هم قهرمان بنامیم؟ ممکن است تیمی که مسعود را به "قهرمانی" رساند حاوی همه پلیدی های سیاسی، اخلاقی، اجتماعی، انسانی باشد و رهبر این تیم را فارغ از آلودگی ها و خیانت های افراش محاسبه نمائیم؟

اولاً کدام منطق اجازه می دهد که احمد شاه مسعود و جنایت کاران زیردستش چون فهیم، قانونی، عبدالله، امرالله صالح، عطا، اسماعیل، جنرال نذیرمحمد و را که در تعاملات سیاسی افغانستان نقش متفاوت خاینانه ای از گلبدین وملا عمر، ملا برادر، دوستم، ملا سیاف، ملا مزاری، ملامحقق، ملا کریم خلیلی نداشته اند در مقام قهرمان ملی بنشانیم و بقیه را کمتر از او و حتی خاین ملی خطاب کنیم؟

تمام رهبران خلق و پرچم و تنظیم های جهادی به شمول قومندانان بی ناموس شان قطعاً از کلیت نظام فعلی بوده خاینین ملی هستند، زیرا هر یک اینان در بدبختی افغانستان، در تباهی و عقب مانی افغانستان درسی سال اخیر سهمیم بوده و هستند، هیچ یک از دیگر برتری و کمتری ندارند. عقب ماندگی، مزدوری به کشورهای بیگانه، تاراج و چپاول دارایی های عامه، ایجاد نفرت و نفاق ملی بین ملیت های افغان، اختطاف، اختناق، فساد، نا امنی، قاچاق، همزاد و هم خون اینان است و مسلماً که با نابودی اینان به مقیاس باور نکردنی نابود خواهد شد. تقبیح قهرمان ملی خواندن مسعود نه رفتن به گذشته و بحث مرده ها را به میدان آوردن است، بلکه با افشای "قهرمان ملی" نظام موجود ما به افشای چهره اصلی نظام سیاسی فعلی که از طرف تجاوزگران خارجی در همدستی جنایت کارترین، فاسدترین، منفورترین گروه های سیاسی که هم بازوان و هم سنگران احمدشاه مسعود پله سنگین آن را تشکیل می دهد، دست می یابیم.

نظامی که برای توده های مردم ما دوزخی بیش نیست، فساد، رشوه، بیکاری، نا امنی، فحشاء، سطح زندگی نهایت پائین، یأس و نا امیدی به آینده ماهیت آن را می سازد. خنده آور نیست که یکی از رهبران عاملین این سیه روزی ها که احمد شاه مسعود بود قهرمان ملی نامیده شود؟ قهرمان ملی خواندن مسعود و گذاشتن القابی چون حماسه، اسطوره، نستوه، چهره تکرار نشدنی تاریخ، قله پامیر... و دیگر مزخرفات از این گونه که تمام دم و دستگاه دولت کنونی هر ساله با کوس و کرنا آن را تبلیغ می کند، بدون شک یکی از نیازهای روانی این نظم پلید را آبیاری می نماید و با این کار بردوام حضور منحوسش می افزاید، هر قدر که مسعود در سطح "بهترین شخصیت سیاسی" افغانستان از طرف راهپناش پندانده شود به همان مقیاس، مشروعیت سیاسی طرفدارانش نزد مردم را سنگین می سازد و متناسب به آن مشروعیت نظام استعماری ضد مردمی کنونی که پایه های اساسی اش را بالای اعضای احمد شاه مسعود بنا نموده است بالامی رود.

به همین خاطر است که در تجلیل از مرگ بی افتخار مسعود هم جنایت کاران شورای نظاری و جمعیتی شامل اند و آن را با گرمی تجلیل می کنند و هم اعضای غیر شورای نظاری مستقر در چوکی های بلند رتبه دولتی نظام کرزی. وقتی یک عمر کار سیاسی شورای نظار و رهبرش احمد شاه مسعود، منفعتی جز به استعمارگران خارجی و ملاکان و سرمایه داران داخلی نداشته باشد به یقین که احمد شاه مسعود برای توده های میلیونی افغان قهرمان ملی نه که خاین ملی ب حساب می آید.